

جلسه ۱۳۰

صورت مشروح یوم یکشنبه  
هفتم اسد ۱۳۰۱ مطابق پنجم  
شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۳۴۰

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست

آقای مومن الملک تشکیل گردید  
صورت مجلس یوم پنجشنبه ۴ اسد را  
آقای امیرناصر قرائت نمودند  
رئیس آقای آقا سید یعقوب  
(اجازه)

آقا سید یعقوب - آنجا که نوشته  
شده است جلسه برای نفس تمطیل شد برای  
اصلاحات بود نه برای نفس و باید  
اصلاح شود  
رئیس برای هر دو بود دیگر اصلاحی  
نیست ؟

(گفته شد خیر)

صورت مجلس با این یک فقره اصلاح  
آقای آقا سید یعقوب تصویب شد و فقره  
لایحه از طرف دولت رسیده یکی راجع به  
تخفیف مالیاتی دوقریه واقعه در فارس و  
دیگری راجع برقراری دوسه فقره شهریه  
های جزئی بکمسیون بودجه ارسال میشود  
بالعمل مسئله شهریه ما مطرح است مذاکرات  
در کلیات است آقای آقا سید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل - مسئله شهریه ها بعد  
از آنکه کتاب شهریه ها را دولت بکمسیون  
بودجه فرستاد کمسیون بودجه در چند  
جلسه خیلی اهتمام کرد شاید بتواند يك  
نظر وحدانی و يك مقیاس واحدی برای  
عموم اتخاذ کند بدبختانه چهار اشکالاتی  
شد و نتوانست در جلسات اولیه خود يك  
نظر وحدانی و يك تصمیم واحدی اتخاذ  
کند ناچار شد که وارد بشود در اقلام  
شهریه ها و بعد از اتخاذ يك فلسفه هائی  
این فلسفه ها هم تقریباً چندین چیز بود  
یکی قدمت خدمت یکی فقره یکی هر  
دو یکی مقتضیات زمان یکی  
نظریات دولت های وقت و معلوم است  
که در اتخاذ يك فلسفه همیشه میزان اغلیت  
و اکثریت است مثل عموم قوانین دنیا هیچ  
قانونی در دنیا نیست که فلسفه اش باتمام  
افراد منطبق بشود این بود که داخل در  
اقلام شده و جرح و تعدیلی کرد موافق این  
راپورت و کتابچه که در نزد آقایان معترم  
هست و همین مسئله کمسیون را دچار  
اشکالات فوق العاده و تنقید متقین و اعتراض  
مترضین نمود و همین مطلب باعث شد که  
کمسیون خود را ناچار دید یک نظر وحدانی  
اتخاذ کند و در دو جلسه پیشنهادات خیلی  
مختلف راجع باین مسئله شد (بین افراط و  
تفریط) مثالیکی از پیشنهادات پیشنهاد خود  
بنده بود که همه شهریه ها تصویب شود  
ولی بدبختانه رد شد این راهم باید عرض  
کنم که گفتگوی ما در اشخاصی است که

حالا شهریه دارند حالا اگر اشخاصی  
پیدا شوند که این فلسفه هائی که در وجود  
همین اشخاص است در وجود آنها هم باشد  
چهار مرکز وجه در ولایات و اشکال کنند  
که چرا مادر آنها وارد نشدیم چون دولت  
پیشنهادی برای آنها نکرده است باینجه  
ما هم مداخله نکردیم و وارد نشدیم بالاخره  
بعد از مذاکرات در پیشنهادات چون اشخاص  
شهریه بگیرند قسمند . . .  
رئیس - عقاید خودتان را اظهار  
بداوید

آقا سید فاضل - این يك تاریخی  
است که عرض میکنم بعد عقاید خود را  
هم عرض میکنم يك قسم از شهریه بگیرها  
اشخاصی هستند که مستمري دارند و در  
قوی تیل ۱۳۲۵ کمسیون مجلس بعد از  
هیجده ماه غور در اطراف مستمریها يك  
تصمیمی اتخاذ کرد و کتابش هم هست  
موسوم بکتاب قوی تیل ۲۵ يك قسمت از  
این عده مستمریهای خود را شهریه کرده اند  
و یک عده هم بودند که از سابق شهریه  
داشته اند بدون داشتن مستمري وعده دیگری  
هم هستند که در ایام قترت شهریه برای  
آنها برقرار شده و شاید موجب قدمت  
خدمت بوده فقره بوده گاهی هم هر دو  
بوده یا مقتضیات وقت بوده یعنی مثل همان  
مقتضیاتی که در زمان استبداد بوده که فرمان  
مستمري باشخاص میدادند بهمان نسبت هم  
هیئت دولتهای وقت نظر بملاحظات و  
مقتضیاتی که در بین بوده این شهریه ها  
را تصویب کرده اند پس شهریه ها سه قسم  
شد . یک دسته اشخاصی هستند که مستمري  
داشته اند و او را شهریه کرده اند بلاوجه بقول  
عربها يك چهاله هم قائل شده اند چهاله یعنی  
کماله و تکمیل و بعضی هاهم مستمري خود  
را بدون کم و زیاد شهریه کرده اند یک دسته

هم بدون داشتن مستمري شهریه در حقشان  
برقرار شده است خلاصه پس از آنکه  
کمسیون در اقلام وارد شد تصادم کرد با  
اشکالاتی و ناچار شد يك نظر واحدی و اولانه  
اتخاذ کند و چندین ماده بنظرش رسید که  
پیشنهاد کرد بعضی از اقلام شهریه ها  
قطعی القطع بود که ده یا زده قلم بود  
چون سزاوار نبودند که از طرف دولت به  
آنها شهریه بدهند و کمسیون هم اینطور  
صلاح دید گمانی السابق مقطوع باشد و  
نسبت بسایر شهریه ها قرار شد شهریه های  
تا مبلغ پنجاه تومان دست نخورد و از پنجاه  
تومان بالاتر تومانی ۳ قران کسر شود  
بدلیل اینکه چون تا پنجاه تومان لا بد شامل  
حال فقرا است و بعلاوه آنهائی که مستمري  
خود را شهریه کرده اند دیگر بوارشان  
نمیرسد و مادام الحیوة است باینجهت قرار  
شد دست نخورد و نسبت باشخاصی که مستمري

داشته اند و شهریه کرده اند چون مطابق  
قانون وظائف همانطور که عرض کردم  
شهریه بوارث نمیرسد لهذا قرار شد به  
صاحبان مستمري رجوع کنند که اگر  
راضی هستند غیر مورث و مادام الحیوة باشد  
بطور شهریه بگیرند و اگر می خواهند  
مورث باشد برمی گردد بعالت اول و مطابق  
قانون وظائف درباره آنها رفتار میشود  
و بعد از این مذاکرات در هیئت متحده هم  
مذاکراتی بمیان آمد که شاید بتواند این  
تصمیم را در مجلس رأی بدهد . . .

نجات - نه خیر - در هیئت  
متحده . . .  
آقا سید فاضل - عرض میکنم  
بالاخره بعد از مذاکراتی که در یکی دو  
جلسه در هیئت متحده شد در جلسه اولی  
قرار بر این شد که عجاله قبوض شهریه ها  
و مستمریها شش ماهه صادر شود تا يك تصمیمی  
اتخاذ شود و در جلسه ثانوی قرار شد  
يك سال . . .

مستشار السلطنه - در هیئت متحده  
چنین تصمیمی اتخاذ نشد . . .

آقا سید فاضل - چرا اجازه به  
فرمائید عرض میکنم و بنده شك پیدا کردم  
که مذاکرات جلسه دوم یعنی يك سال  
رسمیت پیدا کرده یا نه؟ ولی بنده هم باشش  
ماه موافقم هم بایکسال و با تومانی سه قران  
کسر هم موافقم مثل عقیده آقایان هیئت  
متحده بلکه شاید زودتر يك تصمیمی اتخاذ  
شود چون اگر در واقع ملاحظه کنیم شش  
صد قلم شهریه است و این شش صد نفر اقلا  
باید شش هزار نفر را نماند و عقیده  
دارم که زودتر این مطلب خاتمه پیدا کند  
بعدا اگر لازم شد عقاید خود را مفصل تر  
اظهار خواهم کرد

رئیس - آقای رفعت الدوله  
(اجازه)  
رفعت الدوله - بنده موافقم  
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا  
چطور ؟

(اجازه)  
محمد هاشم میرزا - بنده  
مخالفم .

رئیس - فرمائید  
محمد میرزا - چنانکه آقای آقا  
سید فاضل مفصلاً فرمودند بنده هم بطور  
اجمال عرض میکنم که مسئله شهریه ها از  
پنجاه قبل در کمسیون مطرح شد و بعد  
فرداً فرد بخصوصیات آنها مراجعه و رأی  
داده شد بنده هم که بهر کدام در کمسیون  
رأی دادم یادداشت کردم کدر مجلس هم  
مطابق همان رأی کمسیون با کمال قوت  
قلب رأی بدهم ولی متأسفانه اخیراً آن  
ترتیب بهم خورد و قرار شد که ترتیب جدیدی  
اتخاذ کنند و بطور کلی از پنجاه تومان به  
پائین کسر نشود و از پنجاه تومان بیالاتومانی

۳ قران کسر بشود باین ترتیب در  
کمسیون هم مخالف بودم ولی چون در  
اقلیت ماندم لابد شدم در مجلس هم عرض  
کنم که هیچ دلیل ندارد مستمریها و  
مقرریهائی که از صد و پنجاه سال قبل تا بحال  
باجداد اشخاصی بازاء خدماتی که در  
آن زمان کرده اند داده شده و در قوی تیل  
۲۵ هم در مجلس هر چه باید از آنها  
کسر بشود که شده و بقیه را باقی گذاشته اند  
حالا آنها را تومانی دوریال بدهند و شهریه  
هائی که نه تصویب زمان مشروطه را دارد  
و نه زمان استبداد را آنها را تومانی تومانی  
یا تومانی هفت قران بدهند و مستمریاتی  
که فرمان داشته و مجلس هم تصویب کرده  
بنده قوتش را زیاد تر از شهریه های ایام قترت  
می دانم . . .

(بعضی از نمایندگان  
صحیح است)

و بایستی حتی المقدور او را زیاد تر از  
شهریه ها داد و بنده نمی توانم شهریه ها  
را باین زیادی و مستمري را باین کمی  
تصویب کنم و در کمسیون بودجه هم بنده  
قانع نشدم اگر آقایان موافقین اینجایك  
دلیلی دارند بفرمائید تا بنده قانع بشوم  
والا حالا بنده مردد هستم که چه طور رأی  
بدهم و بنده این هر دورا نمی توانیم در يك  
ترازو بگذارم زیرا در آن قسمتی که اسناد  
معتبر دارد قوی تر خواهد بود تا سایر قسمتها  
و در سایر موضوعات هم چون هنوز  
مذاکره نشده رأی خود را باقی می  
گذارم

رئیس - آقای رفعت الدوله  
(اجازه)

رفعت الدوله - بنده قبلاً خاطر  
آقایانرا متذکر می کنم که نه خودم  
شهریه داشته ام نه برادرم نه اقوام نه در  
کرمان کسی هست که شهریه داشته  
باشد . . .

شیخ الاسلام - باهالی ولایات که  
شهریه نداده اند .

رفعت الدوله - ولی يك ضرر  
هائی هست در مملکت که باید آنها را  
استقبال کرد و این شهریه هائی که میفرمائید  
من غیر استحقاق داده می شود تصور  
نمی کنم در سال از چهل الی پنجاه هزار  
تومان زیاد تر بشود يك قسمت هم هست که  
در واقع حکم حقوق تقاعدی را دارد و البته  
باید بآنها داده شود و بایکسال هم بنده  
موافق هستم قسمت دیگر هم علماء و  
سادات هستند که آنها نسبت بسایرین خیلی  
کم هستند و شاید نسبت بسایرین ثلث  
بلکه ربع باشند . . .

سلطان العلماء - کمتر است  
رفعت الدوله - در هر حال این  
مقدار هم محض حفظ حوزه اسلامیت داده  
می شود و بنده عقیده اشخاص خودم را می گویم  
محض حفظ حوزه اسلامیت و دائر شدن

مساجد که نماز بخوانیم یا منابرمان دائر باشد...  
**هائری زاده** - صحبت نماز و روزه و منبر نیست راجع بشهریه ها است

**رفعت الدوله** - عرض کردم شما بعد فرمایشتانرا بفرمائید اجازه بخوانید و اظهار مخالفت خودرا بکنید من دارم عقیده خود را می گویم و گفتم بکنفر کرمانی شهریه ندارد بزرگوار احتمال دارد داشته باشد...

**هائری زاده** - غیر یزیدیهام مثل کرمانیا ابدأ شهریه ندارند

**رفعت الدوله** - بلی محض حفظحوزه اسلامیت این جزئی را باید درباره علماء تصویب کرد همچون سادات کاهل استحقاق هستند منتهی بیک قسمت هستند که آقایان در آن قسمت مشکو کنند و می گویند من دون استحقاق است عقیده بنده این است که اگر امسال بهمان ترتیبی که کمیسیون بودجه راپورت داده اند از پنجاه تومان به بالا تومانی ۳ قران کسرونا پنجاه تومانرا تومان تومان بدهند خیلی خوب است و آن وقت درسال نوبت ترتیب صحیحی بدهند ملاحظه بفرمائید در کمیسیون بودجه هیچجه نفرند که چند نفر از آنها عدولند و ما نمی توانیم آنها را رد کنیم و بگوئیم آنها اشخاصی بوده اند که عقیده نداشته اند یا ملاحظه قوم و خویشی را کرده اند خیر بنده با ایشان عقیده دارم و همان طور که کمیسیون بودجه تصویب کرده خیلی خوب است و عدم تصویب این مبلغ هم

یک نفعی نیست که ما بگوئیم یک ماه بودجه مملکت ایرانرا اداره میکنند خیر بنده مطابق حسابی که کرده ام بودجه یک روز و نصف این مملکت است این عقیده بنده بود حالا سایرین هر فرمایشی دارند بفرمائید

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا مخالفید ؟

**سلیمان میرزا** - بلی بنده مخالفم  
**رئیس** - بفرمائید

**سلیمان میرزا** - مسئله که امروز مطرح است بیک قسمتی از بودجه است و چون بنده بر خودم حتم کرده ام که هر وقت بودجه بطور غلط بمجلس بیاید قانونا باید آوری کنم شاید یک ترتیبی بشود که یک بودجه صحیحی بمجلس بیاید و اینهم بیک قسمتی از بودجه مملکتی است لهذا یاد آوری میکنم که این برخلاف قانون مملکتی است و باید وقتی بودجه را بمجلس می آورند تمامرا در یک کتابچه که یک طرف او جمع باشد و طرف دیگر

دیگر او خرج باشد بیاورند و مجلس تطبیق کند اگر خرج زیادتر از جمع شد بعضی چیزهایی را که فائده ندارد حذف کنند و اگر مبلغ قابل حذفی نبود مالیات جدیدی

وضع کنند ولی بدبختانه در تمام دوره مشروطیت هنوز اینطور بودجه بمجلس نیامده است یعنی یک کتابچه که جمع و خرج در طرفین او باشد بمجلس نیامده است و ما هم عادت کرده و یک طبیعت ثانوی پیدا کرده ایم که هر وقت یک ورق کاغذ را رویش می نویسند لایحه بودجه بیکر آبی می دهیم و در آنجا هم یک فلسفه های عجیب و غریب گفته میشود مثلا مسئله استحقاق و عدول مومنین شهادت داده اند پیش می آید در صورتی که در کمیسیون بودجه مسائل شرعی و نماز و روزه و منبر و مسجد در کار نیست شاید عدالتی را که آقای رفعت الدوله فرمودند برای نماز جماعت بود

بنده نمی دانم پشت سر کدام یک از اعضاء کمیسیون بودجه می شود نماز خواند و هستند منتهی بیک قسمت هستند که آقایان در آن قسمت مشکو کنند و می گویند من دون استحقاق است عقیده بنده این است که اگر امسال بهمان ترتیبی که کمیسیون بودجه راپورت داده اند از پنجاه تومان به بالا تومانی ۳ قران کسرونا پنجاه تومانرا تومان تومان بدهند خیلی خوب است و آن وقت درسال نوبت ترتیب صحیحی بدهند ملاحظه بفرمائید در کمیسیون بودجه هیچجه نفرند که چند نفر از آنها عدولند و ما نمی توانیم آنها را رد کنیم و بگوئیم آنها اشخاصی بوده اند که عقیده نداشته اند یا ملاحظه قوم و خویشی را کرده اند خیر بنده با ایشان عقیده دارم و همان طور که کمیسیون بودجه تصویب کرده خیلی خوب است و عدم تصویب این مبلغ هم

یک نفعی نیست که ما بگوئیم یک ماه بودجه مملکت ایرانرا اداره میکنند خیر بنده مطابق حسابی که کرده ام بودجه یک روز و نصف این مملکت است این عقیده بنده بود حالا سایرین هر فرمایشی دارند بفرمائید

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا مخالفید ؟

**سلیمان میرزا** - بلی بنده مخالفم  
**رئیس** - بفرمائید

**سلیمان میرزا** - مسئله که امروز مطرح است بیک قسمتی از بودجه است و چون بنده بر خودم حتم کرده ام که هر وقت بودجه بطور غلط بمجلس بیاید قانونا باید آوری کنم شاید یک ترتیبی بشود که یک بودجه صحیحی بمجلس بیاید و اینهم بیک قسمتی از بودجه مملکتی است لهذا یاد آوری میکنم که این برخلاف قانون مملکتی است و باید وقتی بودجه را بمجلس می آورند تمامرا در یک کتابچه که یک طرف او جمع باشد و طرف دیگر

دیگر او خرج باشد بیاورند و مجلس تطبیق کند اگر خرج زیادتر از جمع شد بعضی چیزهایی را که فائده ندارد حذف کنند و اگر مبلغ قابل حذفی نبود مالیات جدیدی

( جمعی تصدیق کردند )

**سلیمان میرزا** - سر نیزه مجلس در تمام جاها و آن چیزی که دولتهای بزرگ با اردوهای بزرگ نمی توانند بمجلسرا تعطیل کنند همین مسئله است و بس و ما هم اگر بخوایم روی فترت را دیگر نبینیم باید بروم بفهمانیم که یکدینار مالیات بدون تصویب مجلس بدولت ندهند و دولت هم نباید کفشی بدون تصویب مجلس خرج کند و امروز ما داریم یک چیزی را تصدیق می- کنیم که برخلاف قانون اساسی است و نباید ما تصدیق کنیم چرا ؟ زیرا مطابق بر آوردی که بنده کرده ام ( حالا بیدانم - طور نباشد ) و بنده اشتباه کرده باشم )

پس هیئت وزراء در غیبت مجلس نمی تواند از صندوق عمومی پول و شهریه بدهند و این برخلاف قانون اساسی است و نتیجه آن قرض است که باید همزمان فقراء و ضعیفا تحمل کنند و بدهند و هر جا را نگاه کنید مملکت اسلامی بواسطه همین قرضها دارد از بین می رود و بواسطه همین خرجهای بی رویه و مملکت بمجلس نیامده و یک ورق پارچه هائی ساهی که ما بیک دینار بی رویه رأی می دهیم یک حلقه بر زنجیر اسارت خودمان اضافه کرده ایم و آن فقیر بدبخت باید تحمل کند و در زیر زنجیر بماند ولی غنی چندان در تمت فشار این حلقه نیست و می گوید

منم بگوه و دشت و بیابان غریب نیست هر جا که رفت خیمه زد و بارگاه ساخت پولها را برمی دارم بر دفرنگستان و بعضی می کنند آن فقیر دست و پا شکسته باید با لذت نام زندگی کند و خدای نکرده مثل ممالک دیگری که در حال فلاکت مشغول زندگی هستند باید بگذرانند و گرفتار باشند پس حمایت از فقراء و ضعیفا این نیست که از توی کوچه که میبومی کنید صد دینار فقیر بدهید خیر باید فکری کرد که این فقره عمومی را از بین برد والا این صد دینار علاج موقت است و ببرد امروز می خود که نان بخورد و بخورد ولی باز فردا صورت اول است و باید فکر علاج کرد که فقیر کم شود و اولین علاجش اصلاح جمع و خرج مملکت است مملکتی که جمع و خرجش همین نیست نباید حاتم بخشی بکند و هزار تومان و دو هزار تومان شهریه بدهد حالا بر کردم بسؤال بطور کلی مطابق قانون اساسی وزراء حق ندارند در غیبت مجلس شورای ملی لوابح مالی را تصویب کنند و همچنین مردم وقتی مجلس نباشد مقرر عرض کرده ام نباید مالیات بدهند و حق ندارند در قیاب مجلس مالیات بدولت بدهند وزیر هم نمی تواند یک شاهی خرج کند چون چیزی که بنیان حکومت ملی است و اساس حکومت مشروطه و در هر جا پشتیبان مجلس است مسئله مالیات است که هر ساهتی مجلس نبود نه مردم یک شاهی مالیات بدهند و نه دولت بتواند یک شاهی مطالبه کند آنوقت دولت مجبور می

شود تشریح و افتتاح مجلس بکنند

واصلا نمی داند کی صبح می شود و کی شام که نماز بخواند و شاید خیلی اوقات هم فراموش میکند پس بنا بر این پول داشتن فلسفه عبادت نیست البته ما هم میخواهیم مساجد و منابرمان در کمال خوبی دایر باشد و اعمال مذهبی کاملا رعایت شود اما مسئله مساجد و منابر مربوط بشهریه نیست و ما شهریه را بساجد نمی دهیم ما این شهریه را باشخاصی میدهیم که شاید آنقدرها هم در امان مذهبی جدید نیست بکنند باری در هر حال بنده کاری ندارم انشاء الله هه شان نمازشبهم میخواهند با بیست و نه هزار تومان شهریه را میخواهیم تصویب کنیم که در ایام فترت برقرار شده و بنده هیچ فلسفه برای این تصویب نامهها نمی بینم که بکنفری که سه روز زیر شده باندماهی سیدوسی و سه تومان و سه قران و سیدوسی دینار مادام العمر بگیرد هم اصل این تصویب نامه غلط است هم فرعی که بر او مترتب است از او غلط تر است و از این قبیل چیزها خیلی زیاد است و اگر اساسی که در این کتابچه است برای شما بخوانم می بینید همه دارا و صاحب لقب هستند کتاب چه خدمت آقایان هست ملاحظه بفرمائید احتساب الملک - اعضاء السلطنه - افتخار الملک امیر بهادر جنک - امیر کبیر - امین الملک این همه فقر هستند آقایان می فرمایند؟

**میرزا حسن اخضر** ( این شخص را نمی شناسم شاید فقیر باشد ) حسن خان اعتماد قاجار : خلاصه در این صفحه شاید سه نفر فقیر باشد مابقی همه صاحب القاب هستند این است که بنده مخالفم و می گویم نه باید پول مملکت را باین فقرا داد باید پول را در مقابل خدمت و زحمت داد و هر کسی برای مملکت خدمت می کند و زحمت می کشد باید باو حقوق داد و الا بستیکی و خویشی دلیل نمی شود که از بیت المال بکسی پول بدهند باید بحکایت عقل و حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام قرض نان را در نظر بیاریم که برادرش یک قرص نان زیادی نداد بلکه بیکه زن نان را از او گرفت دیگر از این بالاتر می شود پس این بیت المال مسلمین است نه طعمه اخوان شیاطین باید پول را باشخاصی داد که کار می کنند و زحمت می کشند و حقیقتا در راه خدمت بمملکت هلیل و مقتول شده اند باید به ورته مقتولین داد که در راه مملکت شهید شده اند و الا سه روز وزیر شدن و سیدوسی و سه تومان و ۳ قران حقوق درست کردن مزایایی ندارد علی الاضول وزراء حق ندارند در قیاب مجلس حقوقی تصویب بکنند حالا اگر آقایان موافقت بفرمائید این پیشنهادی که دولت کرده است همان است که تو میخواهی منتهی تمام را در یک کتابچه نوشته است و دولت می گوید در زمان فترت یک شهریه هائی

**رفعت الدوله** - بنده اینطور عرض نکردم  
**سلیمان میرزا** - در صورتیکه اگر شهریه بنماز خواندن مربوط باشد بفقرا باید بیشتر بدهند زیرا آن حال با عمل که صبح تا شام زحمت میکشد عصر که دست از کار می کشد وضو می گیرد و نمازش را میخواند اما شاید غنی در عیش و عشرت فرق است

تصویب کرده اند حالا پیشنهاد می کنم و هر چه بشما بر ما تبذ اطاعت میکنم آنوقت بنده عرض می کنم در این پیشنهاد دو ایراد دارم  
اولا این پیشنهاد برخلاف قانون است و باید در ضمن بودجه کل بمجلس پیشنهاد شود علاوه بر این این صورتی را که در این کتابچه نوشته اند درست دقت نکردند که آنها را از هم جدا نمایند چون بیک قسمتی از این صورت شهریه هائی است که در زمان مجلس اول در قوی تیرل ۱۳۲۵ تصویب شده و هیچ محتاج برای نیست بیک قسمت مستمریاتی است که مطابق قانون وظائف بوره مردم داده میشود آنها محتاج برای نیست بیک قسمتی دیگر شهریه هائی است که در ایام فترت تصویب شده و بنظر بنده شاید از نقطه نظر بستگی شخص یا جلوگیری از هیا هو این شهریه ما را داده است می گفته اند محض اینکه ساکت باشد یک شهریه هم با بدهیم با با اصطلاح امروزه مجلس دوره چهار وضع لغت کرده اگر کسی هوچی بود و شرکت در هو میبکند باو میگفتند تو هم بیاشریک در این گیمانی بشو و دیگر صداقت در نیاید تا وطنت از خطر بیرون بیاید

یک قسمت هم اشخاصی هستند که دسترسی بدائر وزارت و مقام صدارت داشته اند مثل فلان الدوله و فلان السلطنه و محض اینکه بی کار بوده اند به آنها شهریه داده اند دوسه قلم هم هست که این اشخاص را بمدای آنکه کشته اند بوره شان شهریه داده اند مثلا خیابانی را بمدای آنکه در تبریز کشتند در باره و رنه او واجب برقرار کرده اند یا بمدای آنکه ابوالفتح زاده و منشی زاده و سایرین را کشتند در صورتی که محکوم بر قتل نبوده اند بوره آنها شهریه داده اند بنده که این جا نبودم اما خود میکشی حافظ

خود تخریه میداری آنها را می کشند آنوقت شهریه برای ورته شان معین میکرده اند بهترین برهانی که بواسطه آن میتوانم ثابت کنم که این کتابچه غلط است این است که در این مملکت خادمین مملکت بکسلی معور هستند و خائنین جلو هستند مثلا ورته مرحوم آقا سید جمال الدین که برای حفظ اساس مشروطیت و حفظ این مجلس در دوره اول جان بازیها نمود و بالاخره هم در راه اساس مشروطیت بدست محمدعلی میرزا کشته شد آنوقت شهریه از برای ورته یک چنین شخص قدا کساری سیزده تومان شهریه برقرار می کند بدمهم چون یکی از پسرانش آقا سید محمد علی جمال زاده داخل در کار میشود چهار تومان از

حقوقشان کسر مینمایند که نه تومان باقی میماند ملاحظه کنید بیک شخصی که تمام زندگی خود را در راه آزادی و مشروطیت صرف کرده و بالاخره در این راه کشته شده امروز قدرشناسی نسبت باو بزرگوار که جان خود را در راه حفظ آزادی صرف کرده و در تمام مدت زندگی کانی خدمت کرده است و تا آخرین ساعت وقت خود را برای حفظ آزادی صرف کرده است نه تومان معین میشود اما برای محمد علی میرزا که مغرب اساس آزادی و مشروطیت بود هفتاد و پنج هزار تومان معین می شود

آقا سید فاضل - او در این کتابچه نیست  
**سلیمان میرزا** - هر کجا می خواهد باشد - این است قدرشناسی این مملکت برای خدمتگزارانی که تا آخرین قطره خون خود را ریخته و تا آخرین ساعت زندگی کانی جان بازی کرده اند عیال و اطفال این بیچاره در یک خانه زندگی می کنند که نزدیک است دیوار هم سر آنها خراب شود البته بانه تومان چطور میشود زندگی کرد آنوقت به آنها هائی که مغرب این اساس بوده اند و مجلس را توبسته اند هفتاد و پنج هزار تومان میدهیم که برود در فرنگ دیش کند و به آنها هائی که خدمت نکرده اند ماهی سیصد تومان چهار صد تومان حقوق میدهند این است که مطابق این طریق و روش این مملکت محکوم بخراب شده است و اگر این سیاست دوام پیدا کند که خدمتگزاران را اینطور جزا بدهند و خراب کنند کان را اینطور دیگر باید امید وار نبود در این مملکت خدمت گذار پیدا شود زیرا خدمتگزاران نگاه می کنند و می بینند در زندی بود نشان اینطور نسبت به آنها رفتار می شود و غیر از همت و صدمه و مشقت از مرتجعین چیز دیگری ندارند بمدای آن که امتحان آخری را دادند و خسروشان را

در راه مشروطیت ریختند آنوقت ملاحظه کنید به پیشیند باناله آنها چه می دهند مملکتی که اینطور خدمتگزاران آزادی را حفظ کند مملکتی که اینطور مخالفین آزادی را بحال عیش و نوش بگذارد معلوم نیست آتیه آن مملکت چه خواهد شد !! بروید خانواده آقا سید جمال الدین را نگاه کنید به پیشیند بچه سغتی زندگانی می نمایند !! بلی ما اینطور قدر و قیمت خون آزاد بخوان را نگاهدار می کنیم آنوقت در اینجا بیست و نه هزار تومان پول بکسانی که این مملکت را خراب کرده اند و باشخاصی اگر داخل در اسامی شدیده بنده یکی یکی این اشخاص را معرفی می کنم که بر ضد مشروطیت چه کارها کرده اند بانه دوهزار تومان از

خود تخریه میداری آنها را می کشند آنوقت شهریه برای ورته شان معین میکرده اند بهترین برهانی که بواسطه آن میتوانم ثابت کنم که این کتابچه غلط است این است که در این مملکت خادمین مملکت بکسلی معور هستند و خائنین جلو هستند مثلا ورته مرحوم آقا سید جمال الدین که برای حفظ اساس مشروطیت و حفظ این مجلس در دوره اول جان بازیها نمود و بالاخره هم در راه اساس مشروطیت بدست محمدعلی میرزا کشته شد آنوقت شهریه از برای ورته یک چنین شخص قدا کساری سیزده تومان شهریه برقرار می کند بدمهم چون یکی از پسرانش آقا سید محمد علی جمال زاده داخل در کار میشود چهار تومان از



سه هزار تومان حقوق می‌دهیم اما با خدمتگذاران واقعی اینطور رفتار می‌نمایم وقتی اینطور فلسفه در مملکت حکم فرما شد دیگر بعد از این مردمان خیر-خواه و فداکار پیدا نخواهد شد و همه در فکر راحتی خودشان خواهند بود یعنی میگویند یک خلاف کاری بکنیم تا راحت بشویم و سعی کنیم یک صورت ظاهری درست کنیم تا در جزء فقراء دوهزار تومان حقوق بسا بدهند و سعی کنیم پارت و تومبیل و سرقلیان طلا و نقره داشته باشیم و پول در بیاوریم داشته باشیم تا در مجلس بگویند این آقایان از بزرگان بوده‌اند و در ناز و نعمت بوده‌اند حالا هم خوب است ماهی دوهزار تومان و سه هزار تومان به آنها بدهیم چون بزرگ‌زاده هستند در صورتی که این بزرگی را از کمین خون مردم این مملکت تحصیل کرده‌اند و مثل زالوهائی هستند که خون فقراء را مکیده بزرگ شده‌اند آنوقت برای اینکه چاق تر بشوند باید از فقراء و ضعیفان بگیریم و تمام را ببلق اینها داخل نماییم و بگوئیم بخورید تا چاق تر بشوید و مصداق آن مار جهنم که هل امتلت یقول هل من مزید ظاهر شودی به آنها می‌دهیم و می‌گوئید هر چه هست بسا بدهید

با این ترتیب بنده با این لایحه مخالفم و اگر عقیده بنده بیشتر می‌گردد می‌گویم یک قلم از اول تا آخر روی این شهری هائی که در ایام فترت بدون مجوز قانونی داده شده است بکشند یعنی آنها را بکشند در مجلس اول تصویب شده مطابق قانون وظایف است باید آنها را بکشند و سایرین را که در ایام فترت شهری برای آنها تصویب شده است یک قلم روی آنها بکشند و بعد هر کدام را که هیئت دولت لازم دانست مجدداً به مجلس پیشنهاد نماید اما من نمی‌فهمم چطور شده است با اینکه من خودم شاهزاده هستم چرا با آنها مخالفم و همیشه بر علیه ظلم و تعدی این خانواده هستم یعنی قسم خورده‌ام هر کسی ظلم کند بر علیه او باشم

مثلاً حضرت اقدس والا امیر کبیر و امیر بهادر چنگ (هر چند این امیر بهادر چنگ آن امیر بهادر چنگ نیست) به پیشینچه خدمتاتی برای مملکت کرده‌اند باندازه خدمات آن دوبرگوار از آنها قدر دانی و حق شناسی کنید بنده این دو نفر معروف را پیدا کرده‌ام که دیگر جای حرف نباشد یکی از آنها ماهی دو هزار تومان و دیگری ماهی دو صد تومان داده می‌شود می‌گویند مجلس را خراب کردید و خوب بر علیه آزادی قیام کردید دستتان درد نکنند

بقول بعضی آقایان ناز شصت است و می‌گوئیم چون در مسلک استبداد خودتان ثابت بودید و بر علیه آزادی خوب قیام کردید ما از شما قدر شناسی می‌کنیم و بسا ماهی دو هزار تومان می‌دهیم که از همه تمهیدات که

در زمان حکومت طهران و وزارت چنگ کرده‌اند

حالا در پارکتان راحت زندگانی کنید و همچنین بشا دو صد تومان می‌دهیم بجهت اینکه از خانواده امیر بهادر چنگ هستی

اما بدبخت آقا سید جمال‌الدین کور راه حفظ عقیده و حفظ آزادی شهید شده و روح مقدس همیشه در مقام قدس در پیش چنگ بزرگوارش محترم است باید در راهش ایستاد و زنده بماند اگر ما قائلیم که اینطور زندگانی کنند !! اگر ما قائلیم که بروز حشر و معادی باشیم چطور جواب او را می‌دهیم؟ اینهم یکی از سادات بزرگوار است که در راه آزادی فدا کاری کرده‌اند و بعد از مردنش کسی از خانواده او احوال پرس می‌نماید و او می‌گوید که در راه آزادی فدا کاری کرده‌اند و بعد از مردنش کسی از خانواده او احوال پرس می‌نماید و او می‌گوید که در راه آزادی فدا کاری کرده‌اند و بعد از مردنش کسی از خانواده او احوال پرس می‌نماید و او می‌گوید که در راه آزادی فدا کاری کرده‌اند

بنابراین باید گفت این مملکت محکوم با اهدام است و اگر این سیاست ادامه پیدا کند دیگر ابد املت فکر خدمت کردن نخواهد بود و تمام در فکر تعدی و تجاوز و جمع کردن سرمایه و دارا شدن القاب بزرگ و خانه‌های بزرگ و تمول خواهند بود تا اینکه وقتی هم مسئله شهری ها در مجلس مطرح شود به آنها دوهزار تومان بدهند بنابراین عقیده بنده این است آنها را بکشند یعنی آنها را بکشند در مجلس اول تصویب شده مطابق قانون وظایف است باید آنها را بکشند و سایرین را که در ایام فترت شهری برای آنها تصویب شده است یک قلم روی آنها بکشند و بعد هر کدام را که هیئت دولت لازم دانست مجدداً به مجلس پیشنهاد نماید اما من نمی‌فهمم چطور شده است با اینکه من خودم شاهزاده هستم چرا با آنها مخالفم و همیشه بر علیه ظلم و تعدی این خانواده هستم یعنی قسم خورده‌ام هر کسی ظلم کند بر علیه او باشم

مثلاً حضرت اقدس والا امیر کبیر و امیر بهادر چنگ (هر چند این امیر بهادر چنگ آن امیر بهادر چنگ نیست) به پیشینچه خدمتاتی برای مملکت کرده‌اند باندازه خدمات آن دوبرگوار از آنها قدر دانی و حق شناسی کنید بنده این دو نفر معروف را پیدا کرده‌ام که دیگر جای حرف نباشد یکی از آنها ماهی دو هزار تومان و دیگری ماهی دو صد تومان داده می‌شود می‌گویند مجلس را خراب کردید و خوب بر علیه آزادی قیام کردید دستتان درد نکنند

بقول بعضی آقایان ناز شصت است و می‌گوئیم چون در مسلک استبداد خودتان ثابت بودید و بر علیه آزادی خوب قیام کردید ما از شما قدر شناسی می‌کنیم و بسا ماهی دو هزار تومان می‌دهیم که از همه تمهیدات که

چهار هزار تومان بشود برای این که نوشتن عدد بیست و چهار هزار تومان درد فترت راحت تر است البته اگر صد هزار تومان باشد هم نوشتن آن درد فترت راحت تر است و هم گفتنش راحت تر است اما بدبختانه هنوز این مبلغ پیشرفت نکرده است و هنوز موفق نشده‌اند ولی اگر یک فترت دیگر پیدا شود و زنده بمانند صد هزار تومان خواهد شد و هیچ اشکال نخواهد داشت زیرا بخشش مازاد است با این حال من یک پیشنهاد را که از طرف بعضی از آقایان شده بود امضاء کرده‌ام زیرا حس کردم شاید نظریه بنده در مجلس پیشرفت نکند چون آقای آقا سیدفاضل هم رأی هیئت متخذه را فرمودند بنابراین وقتی هیئت متخذه رأی بدهد... آقا میرزا محمد نجات - در هیئت متخذه تصویب نشده است

سلیمان میرزا - خردتان می‌دانید این باینده نیست چون یک نفر از آقایان که چندین هم در هیئت متخذه ناظم بوده‌اند و نمیدانم حالاهم هستند یا نه اینطور فرمودند و بنده هم از خارج شنیده بودم پس اگر هیئت متخذه اینطور رأی داده باشد که آقای آقا سید فاضل فرمودند بنده دیدم که با نظریه هیئت متخذه عقیده بنده پیش نمی‌رود بنا بر این اینطور صلاح دیدم که نظریه خود را بر عرض مجلس برسانم اگر آقایان با نظریه من موافقت کردند خیلی ممنون می‌شوم ولی تازه ممنون شدن بنده برای این است که یک قسمت از معاکمه و وزراء شروع شده است

یعنی می‌گوئیم کارهائی که در غیاب مجلس کرده‌اند غلط است و این بیست و نه هزار تومان شهری را قبول نداریم و این سابقه غلط را رد می‌کنیم تا بعد مطابق قانون پیشنهاد شود و دیگر اینکه یک چیزی هست که بنده ملتفت نشدم و آن این است که بدهی دولت بدهی است چه تقاوتی بین مستمیری و شهری هست که آن را تومانی دوریال بدهد و این را تومانی تومانی بدهد گویا دلیلش این است که چون مستمیری ها هم تهر است و سندیت دارد احکام دارد و در مجلس تصویب شده است با آنها باید تومانی دوریال بدهند ولی شهری که معلوم نیست از زمین سبز شده یا از کجا باید با تومانی تومانی بدهیم این هم یکی از فلسفه های فقره عمومی است که آن کسی که چهار صد تومان یادوست تومانی و یا مثل کامران میرزا که دوهزار تومان دارد باید تومانی تومانی بگیرد اما آن کسی که پنجاه تومان مستمیری دارد باید تومانی دوریال بدهد و این مسئله مثل این است که کسی یک قبض نوشته باشد که طلب فلان شخص از من هزار تومان منهای هفتصد و پنجاه تومان که آنرا نخواهم داد و منکرم الباقی دورست و پنجاه تومان

پس این عدد بزرگ چه چیز است که می‌نویسد؟

خوب از اول بتویسد دوست و پنج تومانی حالاهم مستمریات ما این طور شده است مثلاً برای می‌دهیم که فلان قدر مستمیری بفلان کس بدهند اما نمی‌دانم جهت چیست که آنرا تومانی دوریال می‌دهند شهر پر را تومانی بکنند بنده شکاکم این است که چرا حقوق مردم بکنواخت نشده بنده می‌گویم پس شهری ها را هم تومانی دوریال بدهند چه جهت دارد آنکه بیست و چهار هزار تومان مواجب دارد تمام بگیرد اما بیست و چهار تومانی تومانی دو ریال؟ این هم یکی از چیزهائی است که بنده مجبور بودم عرض کنم در حال اگر مجلس قبول کند و بامان موافقت بکند (اگر چه هرا یض بنده کمتر طرف توجه می‌شود دوره های سابق هم همین طور بود حالا هم خود را خسته می‌کنم زیرا عقاید بنده موافق با مصلحت نیست...)

مستشار السلطنه - این دفته غیر سایر دفعات است

سلیمان میرزا - حالا اگر این دفته اول باشد و مجلس لطفاً بامان موافقت کند و این پیشنهاد را عرض کردم قبول نماید آنوقت امضائی که پای آن پیشنهاد کرده‌ام پس می‌گیرم زیرا بنده شنیده بودم هیئت متخذه با این پیشنهاد موافقت کردند این بود که بنده گفتم از هر جا جلوسر گرفته شود منقعت است این بود که بنده هم آن پیشنهاد را امضاء کردم و گفتم حالا که بناه است بدهند کمتر بدهند و الا عقیده اصلی من این است که اول عرض کردم والا از راه اکل میت و ازوری ناچاری آن پیشنهاد را امضاء کرده‌ام

مخبر - مقدمتاً قبل از آنکه داخل بحث در اصل مسئله بشوم دو مطلب است که برای اطلاع خاطر آقایان عرض می‌کنم.

اولا - خاطر آقایان را متذکر می‌کنم باین که کمیسیون بودجه کمیسیون خود شماست و شما خودتان هیچجه نفر از میان خودتان انتخاب کرده‌اید و ما مورد یک خدمتی نموده‌اید همانطوریکه آنروز هم عرض کردم در این جاقضیه یک مشکلاتی چهار شد و پس از جستجوی زیاد یک رأی بعد ما را دچار زحمت نکرده و در آتیه اسباب اشکال فراهم نیاید در مقابل لایحه که جمع ما را معین کرده بود یک لایحه خرجی هم بر طبق آن معین کردیم و در حدود این تشخیصات یک اعتباری بدولت دادیم که برود و بودجه خود را بتویسد پس در نتیجه یک قدمی برای پیشرفت و اصلاح این کار برداشته ایم و کمیسیون بودجه هم نظر باینکه این مسئله یکی از وظایف - مخصوص اوست همیشه در هر لایحه که به

مطلب دیگر که می‌خواستیم عرض کنیم این است که اغلب می‌بینیم یک سوء تفاهماتی می‌شود و تصور می‌شود چون بنده می‌آیم این جا از یک قانونی دفاع کنم حتماً باید معارض با شاهزاده سلیمان میرزا باشم خیر اینطور نیست هر وقت حضرت والا فرمایشات صحیح بفرمایند بنده هم در قسمت خودم تصدیق می‌کنم و در قسمت های کلی هم اغلب آقایان و کلاه تصدیق خواهند فرمود که تصدیق ایشانرا کرده‌ام اگر بعضی اوقات اختلاف داریم در بعضی چیزها و تطبیق آنها است با موارد خصوصی اما هر قدر حضرت والا از عدم قدر شناسی در این مملکت بنالند بنده هم موافق با ایشان خواهم بود مخصوصاً در موضوع ورثه مرحوم آقا سید جمال‌الدین که مخصوصاً خود بنده با او خیلی دوستی داشتم و من هم مثل حضرت عرض می‌کنم که اگر ففتمتی نسبت بورثه آن مرحوم شده است باید با آنها همراهی کنیم ؛ اما در یکجا بنده با حضرت والا مخالفم و آن این است که یک مرتبه می‌فرمایند من مخالف با شاهزاده ها هستم در اینها بنده با ایشان مخالف هستم و مدافع از شاهزاده‌ها می‌باشیم چرا چون بنده نسبت به هیچ طبقه خصوصاً طبقه خودمان نظریه ندارم و هر چه ایشان بگویند من از این خانواده نیستم ما قبول نمی‌کنیم و می‌گوئیم از ما است و همان نسبتی را که بنده با مرحوم عباس میرزا - نایب السلطنه دارم ایشان هم دارند و هیچ فرقی هم بنده با ایشان ندارم اینجا است که بنده عرض می‌کنم که نباید حقوق ممتازه در این مملکت داشته باشیم و نسبت بشاهزادگان باشدشان باید بد بود و با خوششان خوب این دو مسئله را مقدمه عرض کردم حالا می‌خواهم داخل در اصل مطلب بشوم و امیدوارم پس از این مقدمه یک سوء تفاهماتی نسبت بماندو نفر نشود؛ اما در این مجلس مواجب با یک - لوابیح بودجه می‌شویم و باید آنها را تصویب کنیم در صورتی که هنوز صورت جمع و خرج صحیح در دست ما نیست البته تصدیق می‌فرمائید است و همه سعی داریم که انشاء الله این نقصان مرتفع شود فقط برای تذکر ب حضرت والا و سایر آقایان دیگر عرض می‌کنم که در موقع گذرانن لایحه بودجه اعتباری در مجلس مذاکرات کافی بعمل آمده و یک بودجه جمع تقریبی هم در آن موقع دولت بسا داد و ما آنرا ماخذ قرار دادیم و برای اینکه بعد ما را دچار زحمت نکرده و در آتیه اسباب اشکال فراهم نیاید در مقابل لایحه که جمع ما را معین کرده بود یک لایحه خرجی هم بر طبق آن معین کردیم و در حدود این تشخیصات یک اعتباری بدولت دادیم که برود و بودجه خود را بتویسد پس در نتیجه یک قدمی برای پیشرفت و اصلاح این کار برداشته ایم و کمیسیون بودجه هم نظر باینکه این مسئله یکی از وظایف - مخصوص اوست همیشه در هر لایحه که به

کمیسیون می‌آید این نظر را داشته و مراعات هم کرده است و گاهی دولت را متذکر کرد و فرموده است که مجلس تعدیلی در جمع و خرج مملکت نموده و شما باید ملتفت باشید که در موقع نوشتن بودجه از حد اعتدال منحرف نشوند ولی راجع - باین مسئله مذاکراتی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند از موضوع فعلی ما خارج است و دیگر اینکه در ضمن یک اصل کلی از قانون اساسی را فرمودند و اظهار داشتند که در غیبت مجلس هیچ دولت و وزیری حق ندارد از مالیه مملکت حقوقی بر قرار کند یا مخارجی بنمایند و نیز فرمودند که او وز ما در مجلس مواجه هستیم یک قسمت از عملیاتی که از همین قبیل است

خوب کسانی که در غیبت مجلس و دوره طولانی فترت غش ساله بنا بر حفظ مصالح عمومی در اثر یک حوادثی وظیفه دارد حفظ و حراست و نگاهداری مردم بوده‌اند و می‌خواسته‌اند این طرفان و انقلاباتی که پیدا شده رفع شود و دو باره مجلس مفتوح شود و اصول از آن مشروطه مستحکم گردد آیا وظیفه آنها چه چیز است؟

در این باب بنده عقایدی دارم و گمان می‌کنم خود حضرت والا هم تصدیق می‌فرمایند که وضع قسمتی از شهری ها نظیر به حفظ مصالح عمومی و مقتضیات مملکتی بوده ولی در اصل مسئله بنده هم کاملاً با ایشان موافقم و گمان دارم همه آقایان هم موافق باشند و باضافه بنده عرض می‌کنم در کمیسیون هم همین نظر بود ما هیچ وجه نخواستیم و نمی‌خواهیم امروز هم شما تکلیف کنیم که باید شهری و ماهیانه بر قراری در رعیت مجلس را صحیح بدانند بلکه بنده و همه آقایان تصدیق داریم و باهما موافقیم که ما باید اول تمام آنها را ملغی و منسوخ فرض کنیم و اگر آقایان فراموش فرموده باشند بنده تذکر می‌دهم که کمیسیون بودجه هم سابقاً یک قدمی در انجام این امر بر داشته و در ایامی که بودجه اعتباری از مجلس می‌گذرانند اقلام شهری را توقیف کرد و برای قطعی مجلس موقوف نمود و همانطور که خود شاهزاده سلیمان میرزا پیشدستی فرمودند و حق هم داشتند ما هم در کمیسیون بودجه موقعی که این کتابچه را دولت فرستاده بود بدولت گفتیم ما این را بعنوان این که شهری در ایام فترت برقرار شده تصدیق نداریم شما برای هر کس لازم می‌دانید یکی یکی پیشنهاد کنید دولت جواب داد که این کتاب چه عین پیشنهاد ما است و بنابراین ما هم این کتابچه را این طور تلقی کردیم و شروع با اقدام نمودیم حضرت والا یک

ایراد فرمودند که اگر این طور است چرا بعضی از قلمهائیکه در این کتاب چه نوشته شده مخلوط نوشته شده یعنی شهری های زمان فترت و مستمریات مصوبه مجلس سابق هم را مخلوط کرده و نوشته‌اند و این ایراد حضرت والا کاملاً باین کتابچه وارد است ولی اگر این ایراد رفع نشد برای این بود که شاید این کتابچه در درجه اول با یک نظر دیگری نوشته شده بود ولی در هر حال با آن نظر اولی که کمیسیون اتخاذ کرده بود این ایراد وارد نبود ولی با نظر ثانی این ایراد وارد است ولی در هر حال امروز چه کمیسیون بودجه و چه مجلس شورای ملی می‌خواهند کاری بکنند در این باب یک تصمیمی اتخاذ کنند و بدولت گفته باشند مردم همه بدانند قضیه شهری ها که مدتی است در تمام مجالس و محافل شهر و بازار و روزنامه و پشت بام و بالاخره هر جا که فرض کنید ام از مراکز صلاحیت دار و غیر صلاحیت دار مطرح است به چه ترتیب خاتمه پیدا نموده ؛ خوب حالا چه باید بکنیم؟ شاهزاده سلیمان میرزا می‌فرمایند مستمیری را باید داد البته باید داد ما هم قبول داریم ؛ فرمودند آنها را بر حسب قانون وظایف عمل شده است آنها هم باید سر جای خودش باشد و مطابق قانون وظایف رفتار شود و آن شهری هائی هم که مجلس سابق تصویب کرد آن هم صحیح است و پرداختش را قبول داریم آن وقت غیر از این اقلام دیگری باقی می‌ماند که ایشان جمع تقریبی را بیست و نه هزار تومان فرمودند و این قسمت را می‌فرمایند لغو کنیم و بگوئیم در موقعی که پیش آمد و ما باین مسئله مواجه شدیم و بوظیفه خود رفتار کرده و گفتیم حقوق مقرر در غیبت مجلس کان لم یکن است اگر حضرت والا تا همین اندازه فرموده بودند و همین اندازه مقناهت می‌کردند از نقطه نظر منطقی و قانونی بدون ایراد بود ولی بعد باین قسمت یک چیزی علاوه کردند و فرمودند دولت با آنها را می‌خواهند شهری بدهند یکی یکی پیشنهاد کند و با ذکر یک ادله یک لایحه به مجلس بفرستد آنوقت اگر دیدیم صحیح است ولی اگر دیدیم مستحق نیست و غلط است رد می‌کنیم ؛ در اینجا بنده تصور می‌کنم قدری کار مشکل خواهد شد علاوه همان کاری را که می‌فرمایند بعد بکنیم بهتر است برای اینکه همانطور که خودشان فرمودند یک قسمت از شهری ها را جمع با شخص مستحق است و اگر بنا باشد بعد دولت پیشنهاد بکنند و مجلس بیاورد آن وقت وظیفه کمیسیون بودجه و مجلس خیلی مشکل خواهد شد برای اینکه اساسی آن اشخاص

از همین قبیل خواهد بود که در ذیل همین کتابچه نوشته شده منتهی در ورقه علیجده بکمیسیون بودجه خواهد فرستاد آنوقت همین مشکلاتی که امروز هست آنروز هم خواهد بود پس در هر حال عقیده بنده اینست که باید راهحلی برای این مسئله فکر کرد که هم از نقطه نظر قانون صحیح باشد و هم از نقطه نظر رعایت قسمتی از ارباب از نقطه نظر حق و انصاف رعایت قسمتی از ارباب امروز هم عرض می‌کنم برای این که رعایت حال این اشخاص بشود کمیسیون بودجه مطابق این راهبورت قائل شده که تا پنجاه تومان را تمام بدهند و از پنجاه تومان بالاتر را تومانی سه قران کسر کنند و بعد هم هیئت متخذه برای یک سال این کار را در نظر گرفته

بنده هم از افراد هیئت متخذه استمراج کردم و دیدم همه با این نظر موافقت و عقیده‌شان اینست برای یکسال این مسئله اجرا شود تا بعد تکلیف بودجه در هر سال معلوم شود و برای دولت هم فرصت باقی باشد که در این خصوص مطالعه کند و به مجلس بفرستند پیشنهادی که فرموده‌اند بنده ندیده‌ام

ولی حالا در ضمن مذاکراتی که آقایان مخالفین موافقین می‌فرمایند بنده دقت خواهم کرد که پیشنهاد ها را ببینم و دلایلی هم که برای اقامه می‌شود مطالعه کرده با کمال خون سردی و میل شدید برای پیدا کردن طریقه حل این مسئله ترتیبی بنظر برسد و البته پیشنهادیکه تا درجه مطابق نظریه کمیسیون بودجه باشد او را قبول کرده و تحت مذاکره و شور و مشورت می‌گذاریم

رئیس - اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس شود در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بعد از یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - آقای دست غیب مغالفند با موافق حاج سید محمد باقر دست غیب بنده بالا لایحه مغالتم رئیس - بفرمائید حاج سید محمد باقر بنده اساساً با اصل شهری مخالف نیستم ولی با این لایحه مغالتم با اصل شهری یا مستمیری (فرق نمی‌کند زیرا به عقیده بنده هر دو یکی است)

نمی‌شود مخالفت کرد بهمان منطقی که شاهزاده سلیمان میرزا تقریباً سه ربع ساعت بیان فرمودند و مفاد فرمایشات ایشان این بود که باید قدر شناسی بود و مراعات اشخاص خدمتگذار را نمود و وسائل تشویق آنها را فراهم کرد و بالاخره فرمودند در این



کتابچه آنطور که باید قدر شناسی نشد و خود این مسئله تقریباً یکی از دلایل مخالفت ایشان باین لایحه بود با همان دلایلی که فرمودند با اصل شهریه موافق برای خاطر اینکه همینطور که از بعضی اشخاص بعقیده ایشان قدر شناسی شده از بعضی دیگر شده پس بعقیده بنده نباید مخالفت کرد و باید شهریه را پرداخت و چون ایشان داخل ذکر اسامی شدند بنده هم داخل شخصیات شده و عرض میکنم مثلاً علی اکبر خان سردار مقتدر رئیس ایل سنجایی که بنده نمیدانم تصویب شهریه اش در دوره فترت بوده یا نه در حال این شخص کسی است که در زمان مهاجرت به آقایان مهاجرین خدمات کلی و همراهی های هائیان تقدیر کرده و آنها را در پناه خود حفظ کرده است بنده دیگر داخل جزئیات خدمات او نمیشوم زیرا خود آقایان مهاجرین بهتر و بیشتر از همه کس از خدمات او مستحضرند و حالاً که چنین شخصی به عقیده من از خانه و زندگانی و عاقلانه خودش دور شده و در اینجا آمده و تقریباً بطور توقیف یا حبس نظر در اینجا اقامت کرده و دستش از علاقه حیات خودش کوتاه است و باینکه خدمت هم کرده است حالاً نتیجه خدمات او این باید باشد که از کرسنگی ببرد ؟

خوب کسی که به وطنخواهان و خادمین مملکت خدمت کرده ( زیرا بنده مهاجرین را وطنخواه میدانم ) آیا نتیجه اش این است که بخانه خودش نرود ؟ و در اینجا از کرسنگی تلف خود و پس بهمان فلسفه که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند باید ورثه آقا سید جلال الدین را دستگیری و اعانت نمود بنده هم عرض میکنم باید از سردار مقتدر و امثال او در هر موقع دستگیری و ملاحظه کرد و قدر دانی نمود برای این که لازمه جنس بشر این است که اگر او را تشویق و ترغیب کردی بیشتر آن کار را میکند گمانیکه در جنگها اشخاصی که در کاب حضرت امیر المومنین علیه السلام بودند حضرت امیر به حضرت امام حسن و امام حسین ع می فرمودند آنهارا تشویق و ترغیب کنند و باین که خودشان را در هر امر ذی حق می دانستند معذالک همیشه میل داشتند از آنها تعریض و ترغیب شود برای اینکه تاثیر تشویق لازمه طبیعت بشر است و در هر کاری که بیشتر تشویق شود بیشتر و بهتر صورت میگردد پس همانطور که نباید یکمده شهریه داد بیک عده دیگر هم بنام قدر شناسی باید داد پس با ذکر این دلایل نمی توان همه شهریه را موقوف کرد و گفت عموماً باید رد شود باز بهمان نظری که در در بات معارف مذاکره فرمودند و از مملعتن دفاع فرمودند بنده

هم عرض می کنم باید یک قسمت از شهریه ها را برقرار کرد باز بنده داخل ذکر اسامی اشخاص نمی شوم زیرا بطور کلی

در ضمن این اشخاص یک مشت بچه هائی هستند که پدر ندارند و مادرشان هم از عهده معاش آنها بر نمی آید و یا یکمده مردمان مستحق دیگری هستند که دولت مستعری آنها را مبدل بشهریه نموده است بعقیده بنده نباید در پرداخت شهریه این قسمت از اشخاص مستحق مخالفت نمود پس بطور مطلق نباید با تمام شهریه ها مخالف بود بلکه بقول علماء تفکیک باید قائل شد چون بنده واعظ و روضه خوان هستم و افتخار هم دارم که واعظ و خطیب هستم از این جهت بطور ساده عرض میکنم ماسه قسم شهریه داریم یکی نسبت به علماء یکی نسبت بقراء و ضعفه و دیگری راجع باغنیاء است و از این سه قسم هم تجاوز نمی کند اما نسبت به علماء در هر دولتی اعم از دولت اسلامی و غیر اسلامی مرسوم است که یک مساعدت هائی نسبت باسائن تبلیغات مذهبی خود می نمایند و البته همانطور که دول مسیحی نسبت باسائن مذهب خودشان یک مساعدت هائی می کنند همانطور دولت اسلام هم باید بتبلیغات مذهبی خود کمک هائی بنماید .

خوب دولت ما تا کنون چه خدماتی باسائن مذهبی و تبلیغات دیناتی خود نموده است ؟

آیا حقوقی که در ازاء تبلیغ مذهبی اسلام معمول و مقرر دانسته کدام بوده است من که در خود را در جزو مبلغین مذهب اسلام می دانم همچو چیزی سراغ ندارم و تا کنون ندیده ام دولت برای پیشرفت مذهب اسلام و تبلیغ اساس دیناتی خود خرجی بکند پس اگر این شهریه علماء تصویب شود این نخستین قدمی است که دولت برای تبلیغ و تشویق اساس مذهبی اسلام برداشته است آقایان را سابقه مبدهم بیکی از شماره های مجله الهلال که نوشته بود البرا - بارانندی المذهب یعنی یرویا کاند در مذهب معلوم میشود هر دولتی در یرویا کاند اساس مذهب خود سامی و جدی بوده و مذهب خود را تبلیغ و ترویج میکند ولی دولت اسلامی ما که جزء اعظمش مسئله دفاع و جهاد است چه تبلیغاتی کرده است بعضی می گویند این حق دولت نیست و حق مردم است بنده هم اینرا تصدیق میکنم که مردمان مذهبی باید جمع کنند و بجماع اسلامی بدهند ولی در عین حال دولت هم باید مساعدت و همراهی بکند مخصوصاً در حفظیت اموال مسلمین البته آقایان همه مسلمانند و سابقه کلی به احکام و اخلاق اسلامی دارند مصرف بیت المال مسلمین با اتفاق عموم و در چیز است یکی صرف در تبلیغ و یاد دادن اصول مذهبی و دیگری دفاع و حفظ حدود و ثنور مملکت چنانچه خلفاء هم بیت المال را بمصرف این دو چیز می رساندند خوب

ما از بیت المال مسلمین چه خرجی برای تبلیغ مذهب اسلام نموده ایم در حالتی که تمام دول مبالغ کلی صرف تبلیغات مذهبی خودشان می نمایند

ما چرا مشروطه شدیم ؟ برای اینکه مطابق مذهب اسلام بود بنده خودم راعرض می کنم که از روز اول مشروطه را برای اینک مطابقت با اصول مذهب اسلام بود قبول کردم و اگر چنانچه مطابق مذهب اسلام نبوده بنده هرگز ایستادگاری قبول نمی کردم

رئیس التجار - اگر مخالف بود هیچ کس قبول نمی کرد

حاج سید محمد باقر - معلوم است هیچکس قبول نمی کرد اثبات شکی نفی ماعدا نمی کند البته اگر مشروطه مخالف با مذهب اسلام بوده بنده نه آقای رئیس التجار و نه هیچیک از آقایان او را قبول نمی کردم پس قسمتی از بیت المال باید صرف تبلیغ مذهب شود

حالا راه مصرف آن چیست باید به وزراء یا معاونین آنها داد خیر باید به علماء داد که صرف تبلیغات مذهبی بکنند شاید یکی از آقایان ببیند بفرماید که علماء هم در تبلیغات مذهبی و امور راجعه بخود یک مسامحه هائی کرده اند آن از موضوع بحث خارج است البته شخص عالم باید تبلیغ کند و دولت هم یک مساعدت تهائی بآنها باسائن تبلیغ مذهب بکند و دولت باید مبلغی صرف علماء مخصوصاً علمائی که در سیاست مملکت مدخلیت نام داشته و دارند نباید برای این که خاطر آقایان هست که اگر حکم مرحوم آیت الله خراسانی و مرحوم آیت الله از ندرانی نبود مشروطه برقرار نمی شد زیرا مابین اکثریت مایک اشخاص عالم و مدافعی نبود که بتوانند مشروطه را مستقر کنند بنده تحقیقاً عرض می کنم که اساس مشروطه بر حسب احکام مرحوم آیت الله خراسانی و آیت الله از ندرانی برپا شد و ما با بوجوب احکام آن ها مشروطه را قبول کردیم و در هر موقع به اساس دینات و مذهب ما خدمات کرده اند پس عرض می کنم همانطور که علماء خدمت کرده اند باید قدر شناسی هم از آنها نمود بنده در طهران نبودم

ولی آقایان در طهران بودند و میدانند در مسجد جمعه حجتین آیتین طباطبائی و بهبهانی چه می کردند و عیای خود را بودند که پیراهن و دامان قبا و عیای خود را عقب می کردند و می فرمودند گلوله را بسینه من بزنید چرا برای اینکه بما مشروطه بدهند همه آقایان میدانند نشستن امروز ما روی این کرسی از اثر تبلیغات و احکامی است از ناحیه علماء و حجج السلام صادر شده آنها مشروطه را بماداده و ما را پشت این کرسی نشاندند

مرحوم آیه الله آقا سید عبداللّه بهبهانی و آقا سید محمد طباطبائی برای ملازمت زیاد کشیده و البته همانطور که قدر خدمت مرحوم آقا سید جمال الدین را باید دانست قدر خدمات و فداکاریهای این حجج السلام را هم باید دانست بنده عرض می کنم بهمان دلیل و فلسفه که باید بورت آقا سید جمال الدین اعانت و استمداد کرد البته باید از تشویق و قدر دانی خدمات علماء هم غفلت نکرد و در حق ورثه آنان کمک و مساعدت نمود و ملا نسبت به مرحوم آقا سید عبداللّه که جان خودش را نثار آزادی و رستگاری ما نمود آیا نباید حالا بورت او رعایت و کسکی کرد

پس همانطور که عرض کردم قسمتی از بیت المال مسلمین باید صرف تبلیغات مذهبی بشود چنانچه در سایر دولتها هم معمول و متداول است

اما نسبت بقراء البته باید رعایت کرد و البته دولت مجبور است نسبت بقراء و درماندگان و ضعفاء یک مساعدتهائی بکند نه اینکه مفت خور در مملکت درست کنند بیاید گفته میشود (مفت خور) و نیز گفته میشود اگر بنا باشد دولت همراهی با فقرا و در ماندگان بکند آنوقت هم می گویند ما فقیریم و در نتیجه دولت باید همه بیت المال مسلمین را بقراء مصنومی بدهد خیر اینطور نیست اگر کسی اینجا بیاید و بگوید آقایان ما از شما حقوق نمی خواهیم فقط کاری بکنید که بما ظلم نشود چه جواب خواهید فرمود شما باید ادارات را مرتب بکنید و عملیات حکام را محدود کنید و بالاخره باید کاری کنید که رسم ظلم و تعدی از میان برداشته شود و دیگر برهائی با بیعت ظلم نشود بنده خودم در این سفر که از شیراز به طهران می آمدم حکام آباد از ازارع بدبختی دوست تومان رشوه گرفته بود اقرار هم کرده و دوسه اش هم موجود است به آقای رئیس - الوزراء هم تا کنون اظهار نکرده ام زیرا نرسیدم اگر بایشان اظهار می کردم بکنم یا چیزی کتیباً عرض کنم آنوقت بفرمائید توصیه و کلاه کار را خراب می کند

بنده کاملاً مصدق فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا هستم که میفرمائید باید توصیه و در حق پاره موقوف شود اما وقتی بنده به مجلس می آمیم آن کسی که دوست تومان از او گرفته اند می گویند کجا میخواهی بروی می گویم بمجلس میروم می گوید برای چه؟ نمی توانم بگویم برای این میروم که نماز و روزه و مسائل شرعی ام را درست آنوقت می گویند این دوست تومان را فلانکس با اقرار خودش گرفته است بگیره بمن بده - آخر من کی موفق شده ام رفع ظلم از او بکنم و طلب او را بگیرم کدام

وقت یک چنین حرفی در مجلس زده شده است .

آقا سید یعقوب - همیشه گفته شده است

دست غیب - بنده نسبت بدولت نخواستیم جسارت بکنم البته دولت است و رای اعتماد باو داده شده بنده هم باید مفت خوار درست نکنم و آنوقت که ممکن می شود که دست ظلم و جور از سر مردم کوتاه شود و برای آنها دولت کار درست کند .

وزیر مشاغل می خواهند که از کرسنگی نبرند مثلاً من پنجاه سال است زندگیم کرده ام و همالی هم نکرده ام و از عهدام هم بر نمی آید باید دولت برای من کار درست کند و مادامی که دولت کار تهیه نکرده است بایستی یک اعانتی بقراء و ضعفاء بنماید نه اینکه هر فقیری را در کوچه به بیند پول بدهد که آنوقت بعضی ایراد کنند پس همه فقراء را باید دولت حقوق بدهد خیر بلکه مقصود این است وقتی یک موضوعاتی راجع بشهریه فقراء و ضعفاء بمجلس می آید بایستی موافقت سکود و به آن زن بیچاره یا فلان طفلی که بدترسه می رود و ماهی ده تومان داده نمی شود گفت برو حمالی کن دولت مفت خوار درست نمیکند وقتی این حرف را می شود مردم گفت که کار و شغل در مملکت تهیه شده باشد پس از روی منطقی اسلامی و دیناتی و مملکتی نسبت به علماء و فقراء بایستی داد همانطور که سایر دول هم اینکار را می کنند ولی نسبت به اغنیاء و پولداران نباید داد در اینجا است که بنده با سه ربع فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا موافقم زیرا نباید فلان حاکمی که دوهزار تومان حقوق دارد شهریه داد بمأمورین دولت نمی شود گفت شما غیر از مواجیشان یک دخلهای دیگری هم دارید ولی یک قسمت چیزهایی است که همه می دانیم و اظهار نمی کنیم . بنده چون شیرازی هستم نسبت به قسمت خودم عرض می کنم حاکم فارس نباید حقوق بگیرد یا فلانکس که دور امیر به را حصار کشیده نباید شهریه و مستمری بگیرد لکن فلان بیوه زن بیچاره یا ورثه فلان حجه السلام هم نباید به آتش اوبسوزند از این نقطه نظر است که بنده با این لایحه مخالفم زیرا در صورت کسرا علماء هم کسر میشود و در یک مملکتی که نماینده گانش مسلمان و مذهبش مسلمان و بالاخره تمام افراد مسلمانند این حرف فوق العاده بد است .

یک کلمه دیگر یاد آمده که ناچارم عرض کنم همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا می فرمودند محکوم با هدام است بنده هم عرض می کنم این خجالت برای اسلام است که یک شخصی مثل آقا سید محمد علی

داهی الاسلام که به شیراز و اصفهان آمد دولت با او مساعدت نکرد و بالاخره مجبور شد به هندوستان رفت و داخل مدرسه انگلیسیها شد پس عرض می کنم دولت باید یک قسمت از بیت المال را صرف تبلیغات مذهبی و دیناتی بنماید زیرا هر چه افراد مسلمین زیادتر شوند قوت و شوکت اسلام زیادتر می شود سایر دول هم همین کار را می کنند مثلاً در هندوستان یک قانونی است که دختر انگلیسی را ببرد هندی نمیدهند ولی اگر یک مرد هندی آمد و مذهب مسیحی را قبول کرد به او دختر میدهند و دولت هم پول و خانه و اثاث البیت باو میدهد برای خاطر اینکه افراد مذهبش را زیاد کند و پروپاگاندا مذهبی نماید بنابراین باید این را ۳ قسمت کرد و همینطور هم پیشنهاد کرده ام اولاً نسبت به علماء و فقراء باید داد که صرف تبلیغات مذهبی و دیناتی نمایند زیرا مجلس باید نسبت بروحانیون و علماء احترام کند ولی به اعیان و اغنیاء نباید داد حالا ممکن است آقایان به فرمایند امتیازش مشکل است در اینصورت عرض می کنم این طوریکه بنده تصور کرده ام اشکالی ندارد اولاً فقراء عده شان معلوم است مثلاً وقتی بورت آقا سید جمال الدین میرسیم باید مبلغ او را زیاد کنیم همینطور نسبت بورت آقا سید عبداللّه زیرا راجعه به علماء است آنوقت پنجاه قلم مایه النزاع می شود که دولت نمی داند آنها فقیرند یا غنی راجع باین قسمت هم باید کمیسیون از طرف مجلس انتخاب شود و با نماینده علماء است آنوقت پنجاه قلم مایه النزاع می شود که دولت نمی داند آنها فقیرند یا غنی راجع باین قسمت هم باید کمیسیون از طرف مجلس انتخاب شود و با نماینده دولت بنشینند و معین کنند از این پنجاه قلم کی ها فقیرند و کجا غنی این پیشنهادی است که بنده کرده ام اگر چه شاهزاده سلیمان میرزا هم مخالف باشه شهریه فقراء نبودند و هر چه دفاع می کردند راجع بشهریه اغنیاء می کردند و دفاع ایشان از امیر کبیر و فلان الکها و فلان السلطنه ها بود اما اینکه فرمودند اینها نتیجه استقراس می شود

بنده عرض می کنم چهل هزار تومان نتیجه استقراس نمی شود

نتیجه استقراس این است که وقتی دولت پولی قرض می کند بگویند این پولی را قرض کردی چه کردی؟ تا دوماه دیگر دولت بداند پول باید به مصرف خودش برسد و بیهوده خرج نکند

این راجع بکمیسیون ایام فترت است که باید آنها را در تحت استنطاق کشیده و حساب مغارج را معلوم نماید آن وقت دیگر دولت استقراس نمی کند مجلس دو کار دارد:

یکی اینکه وضع قانون بکنند .

دیگر اینکه نظارت در اعمال دولت را قطع کنند یکی اینکه تمام را بدون کسر

اگر این کار ثانوی را بکنند بعضی ناظر اعمال دولت باشد و هر وقت دیدند دولت یک قدم خطائی برداشت بگویند در این جا خطا کردی دیگر استقراس نمی شود حالا این جا اغتیاء نشود که یکی از موافقین برخیزد بگوید شما با شهریه امیر کبیر موافق بودید استغفرالله بنده با این افلام مخالفم

ولی عرض می کنم نسبت به علماء و فقراء موافقم زیرا شهریه ها را نمی شود بطور کلی قطع کرد پیشنهاد بنده این است که باید به علماء و فقراء داد و آنها را تشویق و ترغیب کرد و اگر باز توضیح بخواهند در تانی عرض می کنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب - تکلیف بنده در این جا معلوم نیست زیرا بعد از شاهزاده نصرت الدوله آقا، دست غیب فرمایش فرمودند و باین شرح مفصلی که فرمودند بنده نفهمیدم ایشان موافق بودند یا مخالف اگر مخالف بودند آنوقت که مخالف پشت سر هم نمی توانند صحبت کنند خوب است اول آقای رئیس معلوم کنند موافقت بود یا مخالفت تا بعد بنده عرض کنم و آقای رئیس در وسط نطق ببنده اعتراض نفرمایند رئیس - مگر نشنیدید که پیشنهاد دادند اگر موافق بودند پیشنهاد نمی کردند

آقا سید یعقوب از نظشان که معلوم نبود مخالف بودند یا موافق

رئیس - در یک قسمت موافق بودند و در یک قسمت مخالف

آقا سید یعقوب - بنده از اول عرض می کنم و آقای رئیس را گول نمی زنم نسبت به بعضی موافقم و نسبت به بعضی مخالف رئیس - پیشنهاد دارید

آقا سید یعقوب - پیشنهادی بهیئت متحده داده بنده هم امضاء کرده ام

رئیس - آقای اقبال السلطان اجازه

اقبال السلطان - واقماً همان طور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند این راپورت کمیسیون طوری است که نه با تمام آن می شود موافقت کرد و نه می شود مخالفت کرد بنده هم مثل آقای دست غیب با یک قسمت موافقم و با یک قسمت مخالف دولت های سابق در قیبت مجلس یک رعایتی از اشخاص کرده اند باینجهت که با فقیر بوده اند یا سابقه خدمت آنها را ملاحظه کرده اند یا جهات دیگری را در نظر گرفته اند و درامه قریب چهل هزار تومان در حق آن اشخاص بر قرار شده است حالا مجلس یکی از سه تصمیم را در این موضوع می تواند اتخاذ کند یکی اینکه تمام شهریه ها را قطع کند یکی اینکه تمام را بدون کسر

تصویب کند و یکی هم اینکه یک قسمت را کسر کند و یک قسمت را تصویب کند بر طبق مذاکراتی که در مجلس شده عقیده اکثریت را بنده در قطع تمام شهریه ها ندیدم اکثریت موافقت دارند که باید شهریه ها که کمسیون پیشنهاد کرده است پنجاه تومان بیالاتومانی سه قران کسر کنند و تومانی هفت قران پرداخته شود و بعضی از آقایان عقیده دارند بیکسانی که مستحق هستند شهریه بدهند و بآنها که مستحق نیستند بنده عقیده شاهزاده سلیمان میرزا این بود شهریه ها را که مجلس تصویب کرده بدهند حقوق هائی هم که بر طبق قانون وظائف برقرار شده داده شود فقط باقی می ماند مستمریات و شهریه هائی که دولت های وقت در ایام فترت داده اند و عقیده حضرت والا این بود که دولت آنها را تا باینجا مجلس پیشنهاد کند و مجلس در اطراف آنها مذاکره کند و برای بدهد بنده عرض میکنم همین کتابچه که دولت فرستاده در واقع پیشنهاد دولت است و تقاضا نموده باین اشخاص این مقدار شهریه داده شود حالا باید در این موضوع مذاکره کرد که به کجا بدهند و بکجا ندهند ولی اینکار بنظر بنده خیلی مشکل است زیرا اشخاصی در مجلس هستند که اینها را باید نمی شناسند من جمله خود بنده شاید چند نفری را بشناسم ولی نمی دانم محتاج بشهریه هستند یا نه بنا بر این نمی توانم رای بدهم مجبورم در موقع رای منتهی باشم و در این مسئله هم گمان نمی کنم اکثریت حاصل شود زیرا بنده فلان آقارا فنی میدانم ولی فلان آقا او را فقیر تصور می کند پس باید آقایان نمایندگان یک شوری بکنند و یک نظریه کلی اتخاذ کنند که این حقوق عیالاً داده شود یا کسریک میزانی حالا اگر سه قران را کم میدانند زیادتر کنند و اگر آنرا کافی میدانند به همین حال باقی گذارند و دیگر اینکه ابراری که بنده در این راپورت دارم این است که می خواهند این شهریه ها را مادام الحیوة بدهند و حال آنکه در این شهریه اقلامی هست که خود دولت معین کرده برای مدت مبنی برای بعضی ها بیست و یکسال است و برای دخترها مادامی که شوهر اختیار نکرده اند این را نمی توان مادام الحیوة قرار داد و همانطور که آقای دست غیب فرمودند حقوقی که بسر داران سنجایی داده می شود یک حقوق دائمی یا مادام العمری نیست بلکه بواسطه اینکه حالا در طهران متوقفند و نمی توانند به محل خودشان بروند یک کمک خرجی به آنها داده می شود در این صورت نمی شود از آنها مبالغی کسر نمود و نه میشود مادام الحیوة بآنها داد زیرا این مبلغی نیست



که کفایت مخارج آنها را بکند و مطابق اطلاعاتی که بنده دارم در این جا خیلی مقروض شده اند و شاید بعضی از آقایان نمایندگان هم از آنها طلب داشته باشند پس اگر آقایان صلاح بدانند خوبست پیشنهاداتی که از طرف نمایندگان می شد بر گردد بکمسیون بودجه و در فراکسیونها هم در این موضوع یک مذاکراتی بکنند و یک تصمیم قطعی اتخاذ نمایند

رئیس - آقا سید یعقوب  
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده گمان می کنم اگر مذاکره در این موضوع طول بکشد بدون فلسفه نباشد زیرا در عرض شش سال ایام فترت هر جلسه که هیئت وزراء برای گذراندن یک تصویب نامه تشکیل داده اند بقدر یک جلسه طول کشیده و ما حالا می خواهیم عملیاتی را که در شش سال ایام فترت واقع شده لغو کنیم البته باید سعی کرد که بعد از این این طور نه شود و اگر خدای نخواسته فترتی پیش بیاید وزراء دوره فترت نتوانند چنین کاری بکنند اساساً بنده مایل نیستم حقوق کسی قطع شود زیرا بر حسب تاریخ وقتی نگاه میکنیم گرچه قبل از اسلام تاریخ مفصل نبوده لکن بعد از اسلام هست چه در دوره خلفا چه بعد از آن در ایران این ترتیبات بوده حتی در دوره مغول چنانچه در دفترها ملاحظه میشود بعنوان سیورفال یک ترتیباتی معمول بوده در زمان صفویه و قاجاریه هم همین ترتیبات بوده و نسبت بروحانین و طبقات مسکری و لشگری یک ملاحظاتی می شده حالا ما نمی توانیم یک مرتبه ایران را برداریم و پاریس را در جای آن بگذاریم باید عادات و حاجات مردم را در نظر گرفت و مطابق آنها رفتار کرد والا نمی شود یک اخلاقی را که هزار و سیصد سال است بآن ترتیب می کرده اند تفسیر کرده این است که این ترتیبات در ایران جاری بوده و یک حقوقاتی برقرار شده ولی از زمانی که ما با بدو تجدید گذاشتیم و حکومت مشروطه را قبول کردیم کمسیون بودجه در مجلس اول یک اقداماتی کرد و عقیده بنده این است که آنچه مجلس اول مطابق اصول مشروطه رای داده باید رفتار شود بعد کم مجلس اول بتوپ بسته شد و دوره فترت پیش آمد باز دربار باغ شاه یک کارهایی کرد که دومیته طهران فتح شد و هیئت مدیره بمجلس آمد تمام عملیات دوره حکومت محمدعلی میرزا را لغو کرد بنده حالا رجز نمی خوانم و داخل جزئیاتش نمی شوم خود بنده حاضر بودم که این عملیات می شد مجلس دوم وارد در یک سلسله عملیاتی شد و ملاحظه بعضی حقوقات

را کرد بعد صکودتای ناصر الملک پیش آمد و چند سال ترتیبات مشروطیت را از بین برد تا اینکه مجلس سوم پیش آمد و هر چه مجلس دوم کرده بود تصدیق کرد باز بعد از دوره سوم هم فترت پیش آمد و یک عملیاتی کردند بنده نمی توانم خودم را راضی کنم که زمامداران وقت که برای بقای حکومت خودشان یک شهریه هائی در طهران برقرار نموده اند و چند سال افتتاح مجلس را بتعویق انداختند با عملیات آنها موافقت کنم بنده می خوام مطابق عقیده آزادی خواهی خودم رفتار کنم از آن طرف هم عرض کردم باید احتیاجات مردم را در نظر گرفت پس عقیده بنده این است که آنچه شهریه در ایام فترت برقرار شده ملغی شود بعد اگر دولت لازم می داند یکی یکی آنها را بمجلس پیشنهاد کند برای اینکه دولت های وقت بدانند مجلس که افتتاح می شود اثرات فترت را یابمال خواهد نمود آنوقت دیگر زمامداران و رجال مملکت که بشغال وزارت می افتند دیگر دوره فترت را ادامه نخواهند داد و دیگران هم نمی گویند با شهریه بدهید و دوره فترت را امتداد بدهید اگر ما این قدم را برداریم آنوقت اگر خدای نخواسته دوره فترتی پیدا شود دیگر وزراء جرئت نمی کنند حاتم بخشی کنند و نمی توانند کمیانی های حقوق بگیر تشکیل بدهند آن کمیانی ها نمی توانند نمایندگی پیش دولت بفرستد و بگویند با حقوق بدهید و هر چه می خواهید بکنید پس عقیده بنده این است که ما باید کاری بکنیم که هم آثار دوره فترت را یابمال کنیم و هم مطابق احتیاجات مردم عمل نمائیم این است عرایض بنده

رئیس - چون پیشنهادات زیادی

رسیده است باید معلوم شود مذاکرات در کلیات کافی است یا خیر

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - پس بقیه مذاکرات می ماند

برای روز سه شنبه

شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه

می فرمائید

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام - بقول قدیمی ها این

یک رنگ تازه ایست و بقول جدیدی ها مد

جدیدی است ده جلسه است بنده از آقای

وزیر عدلیه سؤالی دارم و برای جواب

سؤالات بنده تشریف نمی آورند

رئیس الوزراء - مریض بوده اند

شیخ الاسلام - خوب است آقای

رئیس الوزراء بوزراء خودشان توصیه

بفرمایند که بترتیبات قانونی نزدیکتر بشوند

نه دورتر

رئیس الوزراء - وزیر را که در حال

ناخوشی نمی شود مجبور کرد بمجلس بیاید

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم

شد) مؤتمن الملک